

## رابرت وانوی، خروج به تبعید، سخنرانی ۱ الف

### مرور کلی دوره، عنوان خروج، تاریخ خروج

#### IA مرور کلی دوره

بگذارید در مورد این جزوات نکاتی را بیان کنم که توضیح می‌دهد در ۱۳ هفته آینده چه خواهیم کرد. ابتدا به صفحه توضیحات دوره مراجعه کنید. اجازه دهید توضیحات دوره اول را بخوانم؛ فکر نمی‌کنم این توضیحات در کاتالوگ منتشر شده باشد. این دوره نگاهی دقیق به رهایی بنی‌اسرائیل از اسارت در مصر، استقرار آنها به عنوان قوم عهد خدا در کوه سینا و راه‌هایی که بنی‌اسرائیل تعهدات عهد خود را از زمان ترک کوه سینا، تقریباً تا ۱۲۰۰ قبل از میلاد - که تاریخ دقیق آن قابل بحث است؛ ما خیلی سریع به این سوال خواهیم پرداخت - تا ۱۴۰۰ زمانی که آنها از تبعید در حدود ۵۰۰ قبل از میلاد بازگشتند، می‌اندازد. بنابراین این دوره طولانی از زمان خروج و تشکیل قوم خدا به عنوان یک ملت در کوه سینا تا دوره یوشع، داوران، سموئیل، پادشاهان، تا تبعید و بازگشت در عزرا و نحمیا را در بر می‌گیرد. تمرکز بحث کلاسی بر روی مطالب روایی اسفار پنجگانه و کتاب‌های یوشع، داوران و سموئیل خواهد بود. من قصد دارم خیلی کم به پادشاهان و تواریخ، عزرا و نحمیا بپردازم. بحث کلاسی را به شدت به سمت کتاب خروج سوق خواهم داد که پایه و اساس هر چیزی است که در عهد عتیق دنبال می‌شود.

تکالیف خارج از کلاس به این موضوع خواهد پرداخت که چگونه می‌توان از روایت‌های تاریخی تکالیف ۱. عهد عتیق برای امروز معنا پیدا کرد. حال این یک سوال نسبتاً بزرگ و پیچیده است. آیا این روایت‌ها را باید در درجه اول به عنوان تصاویری از زندگی سرکش‌ها یا مقدسین عهد عتیق، از رفتار خدایسندانه یا غیرخدایی که قوم خدا امروز باید داشته باشند، درک کرد؟ این چیزی است که به عنوان استفاده تصویری از مطالعه شخصیت تاریخ عهد عتیق نامیده می‌شود. کتاب‌هایی در مورد مطالعات شخصیت نوشته شده است که در آنها شخصی مانند داوود یا دانیال، ابراهیم یا اسحاق را در نظر می‌گیرید و از زندگی آنها کارهایی را که به خوبی انجام داده‌اند نشان می‌دهید که ما باید از آنها تقلید یا پیروی کنیم. آیا اینگونه است که شما از این روایت‌ها برای امروز معنا پیدا می‌کنید؟ یا اینکه، آیا این روایت‌ها به طور صحیح‌تر به عنوان روایت‌هایی که قصد توصیف چگونگی عملکرد خدا در دوره عهد عتیق برای تحقق طرح بزرگ رستگاری خود را دارند، درک می‌شوند؟ به عبارت دیگر، به جای تمرکز بر آنچه انسان‌ها انجام می‌دهند یا نمی‌دهند، باید بر آنچه خدا انجام می‌دهد تمرکز کرد؟ البته، اغلب از طریق افراد انسانی، به جای انسان‌محوری، تمرکز خدامحورانه وجود دارد. تفاوت زیادی بین این دو وجود دارد. یا اینکه ترکیبی از هر دو دیدگاه است؟ چگونه دیدگاه فرد در مورد این سؤالات بر نحوه یافتن معنا و ارزش معاصر در روایت‌های عهد عتیق تأثیر می‌گذارد؟

بخشی از هدف این دوره صرفاً آشنایی با محتوای روایت‌های تاریخی عهد عتیق و جایگاه تاریخی آنها در جهان باستان، از جمله یافته‌های باستان‌شناسی در بافت ادبی، تاریخی و اجتماعی آنهاست. این قطعاً بخش مهمی از

دوره است. هدف اصلی این دوره، تشخیص دیدگاه الهیاتی است که در برخی از بزرگترین روایت‌های نوشته شده تاکنون بیان می‌شود.

نمی‌دانم بسیاری از شما با برخی از کتاب‌های کوین و نوزر برخورد کرده‌اید یا خیر؛ او [تئو-دراما] و نهوزر [۲]. از کتاب مقدس به عنوان یک تئو-دراما صحبت می‌کند. این یک اصطلاح جالب است، من معتقدم که او آن را ابداع کرده است زیرا می‌بینید که خدا چه می‌کند. من فکر می‌کنم که این اصطلاح بیشتر به عنوان یک رویکرد تاریخی رستگاری به روایت‌های کتاب مقدس شناخته شده است. کتاب مقدس اساساً داستانی از رستگاری از پیدایش ۳:۱۵ است که در آن وعده داده شده است که نسل زن سر مار را خواهد کوبید. البته، مار شیطان بود. بقیه کتاب مقدس، تحقق آن وعده است، از ابراهیم تا داوود و متی ۱:۱، «عیسی مسیح، پسر ابراهیم، پسر داوود.» بنابراین، تاریخ اولیه اسرائیل، زمینه مهمی برای درک ماهیت نیروی رهایی‌بخش خدا به نمایندگی از اسرائیل فراهم می‌کند. این دوره، مروری بر تاریخ اسرائیل، آنطور که در خروج تا دوم پادشاهان ثبت شده است، ارائه می‌دهد و توجه ویژه‌ای به متون منتخب دارد که در آنجا به تفسیر روایت کتاب مقدس نیز می‌پردازد. پیش‌نیاز، سفر پیدایش است که همان دوره «بنیاد تاریخ عهد عتیق» است. مطمئن نیستم که این موضوع چقدر به عنوان پیش‌نیاز اجباری است، اما به طور کلی، قبل از گذراندن این دوره، باید «بنیادهای تاریخ کتاب مقدس» را روش این دوره به صورت یک دوره کارشناسی ارشد سه واحدی است که تقریباً 9 ساعت کار گذرانده باشید. در هفته، یک ساعت در کلاس و دو ساعت خارج از کلاس برای هر واحد درسی مورد نیاز است. این انتظار عمومی است. برخی از شما ممکن است به این مقدار زمان نیاز نداشته باشید و برخی دیگر ممکن است به زمان بیشتری نیاز داشته باشند، اما این ایده کلی از میزان کار مورد نیاز است.

### 3. تکالیف

تکالیف مطالعه بخش مهمی از دوره هستند. ما در یک دقیقه به برنامه تکالیف نگاه خواهیم کرد تا دقیقاً مشخص شود که چیست. اما توجه داشته باشید که سخنرانی‌ها به جای تکرار مطالب پوشش داده شده در متون، برای تکمیل طراحی شده‌اند. من قصد ندارم در سخنرانی‌های کلاسی تاریخ اسرائیل را از خروج تا تبعید بررسی کنم. شما این را از مطالعه خود دریافت خواهید کرد. به عبارت دیگر، محتوای اساسی حرکت تاریخ از خروج تا تبعید را در مطالعه خود دریافت خواهید کرد. هر هفته یک تکلیف مطالعه داده می‌شود. به برنامه تکالیف نگاه کنید. امکان برگزاری یک آزمون در هر تاریخ مقرر وجود دارد که محدود به متون یوحین مریل است. در یک دقیقه دیگر در مورد آن صحبت خواهیم کرد. توصیه می‌شود مطالب تکالیف را با دقت بخوانید و هنگام خواندن یادداشت‌های خوبی بردارید. یادداشت‌های مربوط به آزمون‌ها را مطالعه کنید و یادداشت‌های میان‌ترم و پایان‌ترم را مرور کنید. دانش واقعی و همچنین درک مفاهیم مورد نیاز خواهد بود. به عبارت دیگر، من خواندن را به اندازه

کاری که اینجا در کلاس انجام می‌دهیم مهم می‌دانم. تقریباً مانند یک دوره خواندن و یک دوره سخنرانی است که در کنار یکدیگر اجرا می‌شوند.

شما در مطالعه‌تان خیلی از من جلوتر خواهید بود. شما از پنج کتاب عهد عتیق تا یوشع، داوران و سموئیل را خواهید خواند در حالی که من هنوز در کتاب خروج هستم. نگذارید این موضوع شما را آزار دهد. من سعی نمی‌کنم آنچه را که هر هفته می‌خوانید یا آنچه را که در کلاس در مورد آن صحبت می‌کنم، ادغام کنم، زیرا سعی می‌کنم به برخی از مشکلات خاص‌تر تفسیر، تأویل و غیره، به ویژه در کتاب خروج، بپردازم. انتظار ندارم تا یک یا دو هفته آخر کلاس به سموئیل بپردازم. احتمالاً حدود ۱۵ دقیقه به کینگز اختصاص داده خواهد شد. کینگز مطالب زیادی دارد؛ می‌بینید که قرار است از طریق مطالعه ما با آن مطالب آشنا شوید، نه با آنچه من اینجا در کلاس تدریس می‌کنم. بنابراین مطالعه مهم است و من در طول ترم چندین آزمون از مطالعات مریل به شما می‌دهم. تا شما را پاسخگو نگه دارم و مطمئن شوم که هر هفته مطالعه را انجام می‌دهید.

یک دقیقه دیگر به آن تکالیف برمی‌گردم، اما به انتهای صفحه ۳ می‌روم. تمرکز درس‌ها روی مطالب مربوط به خروج و کوه سینا خواهد بود. قبلاً اشاره کردم که به اول پادشاهان تا آخرین جلسه و آن هم خیلی مختصر پرداخته خواهد شد. من قصد دارم به جای تلاش برای پوشش کل تاریخ عهد عتیق، روی مطالب مربوط به خروج تا سینا تمرکز کنم و به برخی از مسائل تفسیری خاص بپردازم. بنابراین، دوباره، بسیاری از محتوای این دوره به تکالیف خواندنی بستگی دارد.

نمره‌دهی نمره‌دهی. سه جزء وجود دارد: یک سوم آزمون‌های خواندنی است و تعدادی کار کتبی در مورد ۴. روایت عبری وجود خواهد داشت. وقتی به صفحه تکالیف نگاه می‌کنیم، کار کتبی و آزمون‌ها یک سوم نمره شما را تشکیل می‌دهند. میان‌ترم و پایان‌ترم نیز هر کدام یک سوم نمره شما را تشکیل می‌دهند. بنابراین سه عامل در نمره شما وجود دارد. به عبارات پررنگ زیر خطدار توجه کنید: آزمون‌ها را نمی‌توان تکمیل کرد یا از دست داد، مگر در موارد اضطراری شدید. به عبارت دیگر، اگر به اینجا بیایید و مهلت تحویل تکالیف مطالعه‌ای داشته باشید و من یک آزمون بدهم و شما آن را نخوانده باشید، نمی‌توانید اینجا بیایید و بگویید: «خب، این یا آن اتفاق افتاده، آیا می‌توانم آن آزمون را هفته آینده انجام دهم؟» «حال اگر یک وضعیت اضطراری شدید پیش بیاید، من آن را می‌پذیرم، اما شما باید برای آن دلیل بیاورید».

متون مورد نیاز. متن اصلی این دوره، کتاب *پادشاهی کاهان اثر یوجین مریل* متون مورد نیاز ۵. است که فکر می‌کنم اکنون در نسخه شومیز منتشر شده است. سپس چندین مطالعه مورد نیاز دیگر نیز وجود دارد. اجازه دهید در این مرحله به سراغ آن جزوه دوم بروم که برنامه تکالیف را ارائه می‌دهد، زیرا برخی از مطالب مطالعه در آنجا ظاهر می‌شوند. همانطور که به این برنامه تکالیف نگاه می‌کنیم، تاریخ‌ها، تاریخ‌های

سررسید هستند. من می‌خواهم که شما دو فصل اول مریل را برای هفته آینده بخوانید. بدیهی است که من نمی‌توانم هفته آینده از شما آزمون بگیرم، بنابراین شما مسئول انجام آن مطالعه هستید. قرار نیست هفته‌ی بعد برگردم و ازت امتحان بگیرم، اما برای اینکه بتونم همه‌ی این تکالیف رو انجام بدم، لازم بود که اون تاریخ رو

به عنوان تکلیف نگه دارم. بریم سراغ صفحه‌ی اول تا اواسط فوریه. تو هر هفته دو فصل از مریل رو می‌خونی. وقتی می‌ای سر کلاس، ممکنه یه امتحان داشته باشی، ممکنه نداشته باشی. احتمالاً از بین هفت تا امتحانی که اونجا هست، سه تا یا بیشتر امتحان خواهم داد. ۱۹ فوریه امتحان میان‌ترم است. سپس به سراغ مطالبی خارج از مریل می‌رویم که به این سوال می‌پردازد که چگونه می‌توان از متون کتاب مقدس، معنایی برای امروز یافت. بنابراین برای دوشنبه، ۲۶ فوریه، از شما می‌خواهم فصل ۹ کتاب سیدنی گریدانوس، «*واعظ مدرن و متن باستانی*»، با عنوان «موعظه روایت‌های عبری» را بخوانید. حال اگر قرار است روایت عبری را موعظه کنید، طبیعتاً این سوال را می‌پرسید که چگونه می‌توانیم از روایات عبری، معنایی برای امروز بیابیم؟ می‌خواهم آن را به همراه مقاله‌ای که سیدنی گریدانوس با عنوان «تاریخ و موعظه رستگاری» در مجله *پرورج نوشته است*، بخوانید. فصل ۹ کتاب «*موعظه مدرن متن باستانی*» به همراه مقاله او با عنوان «تاریخ و موعظه رستگاری» در کتابخانه به صورت فتوکپی موجود است. سیدنی گریدانوس استاد مدرسه الهیات کالوین است و به همراه دیگران با این سوال که چگونه می‌توان از روایات کتاب مقدس، معنایی برای امروز یافت، دست و پنجه نرم کرده است. او مدافع سرسخت رویکرد تاریخی رهایی‌بخش است، یعنی اینکه ببیند خدا در این روایت‌ها چه می‌کند و برنامه‌ی رهایی‌بخش خود را پیش می‌برد. سیدنی نسبت به یافتن ابزارهای توضیحی یا نمونه‌ای برای استفاده از روایت کتاب مقدس بسیار تردید دارد. من فکر می‌کنم او کمی در این مورد زیاده‌روی می‌کند. کاری که او انجام داده، خدمت بزرگی است، به ویژه در کلیسای انجیلی از طریق افزایش آگاهی از این دیدگاه تاریخی. رهایی‌بخش، که در اکثر کلیساهای انجیلی تقریباً به طور کامل نادیده گرفته می‌شود.

*موعظه مسیح از عهد عتیق* را بخوانید. او در «می‌خواهم فصل ۷ کتاب سیدنی گریدانوس با عنوان مورد موضوع» موعظه مسیح از عهد عتیق «کتابی به اندازه یک کتاب نوشته است. فصل ۷، فصلی کاربردی‌تر در کتاب است که در آن درباره مراحل گذار از متن عهد عتیق به تمرکزی مسیح‌محور صحبت می‌کند. او در آنجا فرمولی را برای چگونگی انجام این کار ارائه می‌دهد. می‌توانم بگویم که کل کتاب ارزش خواندن را دارد. ممکن است برای شما جالب باشد. هرچند خواندن آن دشوار است، بنابراین فقط فصل ۷ را برای این دوره بخوانید.

#### ۶. تکلیف نوشتاری

سپس از شما می‌خواهم که یک بحث دو صفحه‌ای در مورد اول سموئیل ۱۷ بنویسید. اول سموئیل ۱۷ داستان داوود و جالوت است. این داستانی است که شما در کلیسا با آن بزرگ شده‌اید. شما از کودکی آن را

می‌شناسید، اما به طور کلی. داستان داوود و جالوت به داستانی تبدیل شده است که از ضعیف‌ترین افراد حمایت می‌کند. حال، این داستان در مورد یک فرد بی‌اهمیت در مقابل دولت یا همکاری قدرتمند یا یک افشاگر یا چیزی شبیه به آن است. سوال واقعی این است که چگونه از آن داستان بسیار شناخته شده، معنایی برای امروز پیدا می‌کنید؟ من می‌خواهم که شما این خوانش از گریدانوس را انجام دهید و سپس یک بحث دو صفحه‌ای در مورد معنای اول سموئیل ۱۷ در متن عهد عتیق و معنای آن برای امروز ما بنویسید، و به روشی که یک دیدگاه تاریخی رستگاری‌بخش، هم اهمیت این متن را برای خواننده معاصر آگاه می‌کند و هم آن را کنترل می‌کند، توجه کنید. به عبارت دیگر، این رویکرد تاریخی رستگاری‌بخش نظری را به روایت کتاب مقدس در نظر بگیرید و آن را در یک متن به کار ببرید و ببینید آیا می‌توانید با استفاده از آن مفهوم، معنایی برای امروز بیابید. شما به دنبال این خواهید بود که خدا در پیشبرد برنامه رستگاری خود چه می‌کند. به طور کلی، سعی کنید پیشنهادات سیدنی گریدانوس را برای یافتن معنای معاصر برای روایت‌های تاریخی عهد عتیق به کار ببرید. من نمی‌خواهم که شما فقط با نوعی فرمول ریاضی آن را امتحان کنید، بلکه همه این پیشنهادات را در نظر بگیرید و آن را حل کنید. شما به بینش‌های خلاقانه خودتان نیاز خواهید داشت، اما از برخی از ایده‌های گریدانوس مطلع خواهید شد. ببینید چه چیزی به دست می‌آورد. بنابراین این یک تکلیف سه هفته‌ای است. فکر می‌کنم این به شما ایده‌ای از نحوه نگاه من به اهمیت این مفهوم می‌دهد. من می‌خواهم که شما در مورد این مفهوم فکر کنید و سپس سعی کنید آن مفهوم را در نظر بگیرید و آن را در یک متن خاص به کار ببرید.

برای هفته آینده شما فصل‌های ۱ و ۲ مریل را می‌خوانید که شامل خروج، لاویان، اعداد تکالیف مطالعه ۷. و تثبیه است. البته، این بیشتر بخش پنجگانه، چهار کتاب از پنج کتاب است. دوست دارم آن مطالب کتاب مقدس را همراه با خواندن مریل بخوانید، بنابراین فقط مریل را نمی‌خوانید، بلکه متن کتاب مقدس را نیز می‌خوانید. حالا برای اولین تکلیف، می‌گویم چیزی که به آن علاقه دارم، جریان روایت است. من خیلی به تمام مطالب حقوقی لاویان تا تثبیه و بخشی از آن در خروج اهمیت نمی‌دهم، زیرا ما آن را آیه به آیه بررسی نخواهیم کرد. اما می‌خواهم بخش‌های روایی را بخوانید.

بنابراین بعد از آن تمرین تاریخی رهایی‌بخش، چند تکلیف دیگر از مریل وجود دارد و بعد امتحان نهایی اگر به اولین جزوه‌ای که متون را در آن داشتم برگردید، متوجه می‌شوید که تمام متون در آنجا فهرست شده‌اند، ابتدا مریل و سه متن سیدنی گریدانوس، و سپس متوجه می‌شوید که می‌خواهم کتب تاریخی عهد عتیق، از خروج تا نحمیا، را همراه با مریل بخوانید.

من در سخنرانی‌ها به کتاب‌ها و مقالات متعدد دیگری اشاره خواهم کرد تا دانشجوی علاقه‌مند بتواند روی یک مسئله خاص از یک کتابشناسی منتخب بیشتر کار کند. اگر این دو جزوه بعدی، طرح کلی سخنرانی کلاسی و کتابشناسی انتخابی که با طرح کلی سخنرانی کلاسی هماهنگ است را بررسی کنید، من طرح کلی را در

بزرگ و سپس اعداد عربی وجود دارد. A سخنرانی‌های کلاسی دنبال خواهیم کرد و خواهید دید که اعداد رومی و کتابشناسی با عنوان اول هماهنگ است. «مسائل تاریخی» فقط برخی از منابع کلی برای کتب تاریخی عهد عتیق نجات از مصر، خروج ۱ تا ۱۱ «خواهید شد، که همان» I است. اما اگر به صفحه دوم بروید، متوجه عدد رومی و غیره می‌روید، مدخل‌های B و A در طرح کلی سخنرانی کلاسی شماست. سپس همانطور که به I عدد رومی کتابشناسی دارید که با عناوین طرح کلی سخنرانی کلاسی مطابقت دارند. بنابراین چیزی که من می‌گویم این است که در مورد هر یک از این نکات ذکر شده در طرح کلی سخنرانی کلاس، منابع کتابشناختی وجود دارد، اگر می‌خواهید مطالعات خود را ادامه دهید، منابعی وجود دارد که می‌توانید هنگام مطالعه، آنها را پیگیری کنید.

#### ۸. گزیده‌های استناد

حالا برای اینکه یک قدم جلوتر برویم، یک بخش دیگر به نام «گزیده‌های استناد» وجود دارد که به طرح درس کلاس نیز مرتبط است. کاری که این بخش انجام می‌دهد این است که برخی نقل قول‌ها یا استنادها را از برخی، نه همه، بلکه برخی از آن ارجاعات کتابشناختی در کتابشناسی مرتبط با طرح درس کلاس، استخراج می‌کند. بنابراین من یک پاراگراف اینجا و آنجا را برمی‌دارم که به شما منبعی می‌دهد. حالا اگر به کتابخانه بروید و آن را پیدا کنید و بخوانید، آن را خواهید داشت. من از آن سند استناد در طول سخنرانی‌ها استفاده خواهم کرد. بخش دیگر جزوات، آن بسته اسلایدهای پاورپوینت است.

برگردیم به برنامه تکالیف، یک صفحه سوم هم وجود دارد. این صفحه، گزینه‌های واحد اضافی است. با خواندن یک یا چند کتاب از کتاب‌های زیر و ارسال یک گزارش تایپ شده سه صفحه‌ای برای هر کتاب که خلاصه‌ای از مهمترین چیزهایی است که از کتاب آموخته‌اید، می‌توانید واحد اضافی از این دوره کسب کنید. این دو کتاب اثر ترمپر لانگمن هستند. این کتاب‌ها نیمه‌محبوب هستند. از نظر فنی، مباحث آکادمیک نیستند، اما اولین مورد «فهم عهد عتیق: سه سوال حیاتی» است. و دومی، «عمانویل در مکان ما. دیدن مسیح B، در گزارش خود ۵/۱۰؛ برای نمره A در پرستش اسرائیل. شما می‌توانید نمره نهایی خود را با نمره هیچ نمره‌ای افزایش دهید. بنابراین می‌بینید که اگر هر دو C، و برای نمره کمتر از ۳/۱۰، C، برای نمره ۴/۱۰ بگیرید، می‌توانید نمره خود را یک نمره کامل افزایش دهید. A کتاب را بخوانید و در گزارش‌های خود نمره همچنین چند وبسایت فهرست شده است که ممکن است برای شما مفید باشند.

اکنون به توضیحات دوره برگردید و به صفحه ۳ بروید. من پنج هدف برای این دوره فهرست اهداف دوره ۹. کرده‌ام. در اینجا پنج موردی وجود دارد که امیدوارم در نتیجه مطالعه این دوره به آنها دست یابید و بتوانید انجام دهید. اول، امیدوارم بتوانید دانش خود را از حقایق، اشخاص، مکان‌ها و رویدادهای اصلی در روایت‌های تاریخی عهد عتیق از خروج تا نحما نشان دهید. به عبارت دیگر، هدف شماره یک صرفاً تسلط بر محتوای کتاب مقدس

است. احتمالاً با ورود به این دوره، میزان آشنایی دانشجویان با محتوای کتاب مقدس بسیار متفاوت خواهد بود. برخی از شما پیشینه خوبی در کتاب مقدس دارید و برخی دیگر ممکن است پیشینه بسیار کمی داشته باشید. اما در هر سطحی که وارد این دوره می‌شوید، امیدوارم آن را چند درجه ارتقا دهید. بنابراین، شما کل مطالب تاریخی از خروج تا نمیا را خواهید خواند و بحثی در مورد مریل خواهید خواند؛ همه این وقایع و افراد مهم و همچنین تمام محتوای اساسی که از آن مطالعه حاصل می‌شود. اهمیت آن را به دلیل ابتدایی بودن، دست کم نگیرید. به یک معنا، لزوماً اساسی است. شما باید آن را بدانید و امروزه کمبود دانش در مورد محتوای کتاب مقدس در کلیساها رو به افزایش است.

دوم، امیدوارم بتوانید دانش خود را از معنا و اهمیت وقایع عهد عتیق در چارچوب تاریخ رستگاری نشان دهید. این به آنچه که من در مورد قرائت‌های سیدنی گریدانوس بحث کردم برمی‌گردد. شما در حال کار بر روی آن بخش از کتاب اول سموئیل، باب ۱۷، داوود و جالوت هستید. وقتی اصول را بدانید، می‌توانید آنها را در همه روایت‌های تاریخی و همچنین در عهد جدید به کار ببرید.

سوم، شما قادر خواهید بود دانش خود را در مورد برخی از یافته‌های باستان‌شناسی با اعتبار متغیر که تاریخ عهد عتیق را روشن می‌کنند، نشان دهید. وقتی به دوره یوشع و داوران و سپس به دوره پادشاهان می‌رسیم، تحقیقات باستان‌شناسی مفید به طور فزاینده‌ای بیشتر و بیشتر می‌شود. این همان چیزی است که کل تاریخ جهان باستان را به گونه‌ای گشوده است که صد سال پیش هیچ کس چیزی در مورد آن نمی‌دانست. بنابراین ما در مورد برخی از این موارد در کلاس صحبت خواهیم کرد. آن دسته از شما که مبانی تاریخ کتاب مقدس را دارید - ما در آنجا در مورد این موضوع بحث می‌کنیم - بخشی وجود دارد که من در آن در مورد آنچه باستان‌شناسی می‌تواند و نمی‌تواند انجام دهد بحث می‌کنم. اکنون نمی‌خواهم که شما باستان‌شناسی را به عنوان نوعی مرجع نهایی که بر نحوه مشاهده کتاب مقدس حاکم است، ببینید. این نوعی حقیقت علمی اثبات شده نیست که بتواند شما را مجبور به کنار گذاشتن یا رد یافته‌های تاریخی خود عهد عتیق کند. اگر به تحقیقات باستان‌شناسی و نوشته‌های باستان‌شناسان بپردازید، متوجه خواهید شد که به همان اندازه که در مورد چگونگی تفسیر داده‌های باستان‌شناسی اختلاف نظر وجود دارد، در مورد چگونگی تفسیر سوالات کتاب مقدس نیز نظرات متفاوتی وجود دارد. از یک طرف، محافظه‌کاران تمایل دارند از باستان‌شناسی برای اثبات کتاب مقدس استفاده کنند. از طرف دیگر، غیرمحافظه‌کاران تمایل دارند از باستان‌شناسی برای رد کتاب مقدس استفاده کنند. این نوعی فاجعه است. ما می‌خواهیم به برخی از مکان‌هایی که باستان‌شناسی بر تاریخ عهد عتیق نور افکنده است، نگاهی بیندازیم.

چهارم، امیدوارم بتوانید آگاهی خود را از برخی از استدلال‌های موجود در متن علیه اعتبار تاریخی عهد عتیق، همراه با پاسخ‌های مناسب به چنین ادعاهایی، نشان دهید. من فکر می‌کنم یکی از پرسش‌های اساسی الهیات مدرن از اواسط دهه ۱۸۰۰ تا به امروز، این پرسش از رابطه حقیقت تاریخی کتاب مقدس با پیام کتاب مقدس است. آیا می‌توانید وقتی شروع به زیر سوال بردن اعتبار تاریخی می‌کنید، به پیام کتاب مقدس پایبند باشید؟ آیا

می‌توانید بین اثبات الهیاتی و اثبات تاریخی تمایز قائل شوید؟ آیا می‌توانید بگویید که کتاب مقدس از نظر الهیاتی درست است اما از نظر تاریخی نادرست است؟ این پرسشی است که بارها و بارها مورد بحث قرار گرفته است. متأسفانه در دنیای انجیلی کسانی هستند که می‌گویند آنچه ما هنگام خواندن کتاب مقدس به آن علاقه داریم تاریخ نیست، بلکه پیام رستگاری در عیسی مسیح است. سوال من این است: آیا می‌توانید وقتی شروع به زیر سوال بردن اعتبار تاریخی روایت‌های کتاب مقدس می‌کنید، به پیام رستگاری در مسیح و حقیقت آن پیام پایبند باشید؟ فکر نمی‌کنم بتوانید. من فکر می‌کنم این یک بحث فوق‌العاده مهم است.

پنجم، توانایی تمرین روش‌های صحیح تفسیر کتاب مقدس را نشان دهید، به ویژه هنگامی که این موضوع به بخش‌های روایی عهد عتیق مربوط می‌شود. من قصد ندارم به خودی خود در مورد هرمنوتیک بحث کنم، اما قرار است کار زیادی با متن کتاب مقدس انجام دهیم و آن فرآیند را طی کنیم. ما در مورد چگونگی برخورد مسئولانه با بخش‌های روایی کتاب مقدس چیزهایی یاد خواهیم گرفت.

شروع کنیم I بیایید با نگاهی به عدد رومی اول. رهایی از مصر، خروج ۱-۱۱ الف. کتاب خروج ۱. نام آن که «رهایی از مصر، خروج ۱-۱۱» است و الف در زیر آن، «کتاب خروج» قرار دارد. می‌خواهم فقط چند نظر کلی در مورد کتاب خروج در زیر «نام آن» ارائه دهم. عنوان انگلیسی «خروج» از سبتواجینت گرفته شده است. البته سبتواجینت ترجمه یونانی عهد عتیق عبری (حدود ۲۰۰ سال قبل از میلاد) است. عنوان این کتاب در ترجمه ex است که کلمه یونانی آن به معنای «خروج» یا «عزیمت» است. عبارت یونانی «ex odos» هفتادگانی همانطور که در کتاب مقدس انگلیسی ما از طریق ترجمه ولگاته، که ترجمه لاتین عهد عتیق توسط جروم «odos» تبدیل شده است. بنابراین عنوانی که ما برای کتاب «Exodus» (حدود ۴۰۰ میلادی) بود، یافت می‌شود، به عنوان داریم در واقع کلمه لاتین است که به معنای «خروج» یا «عزیمت» است.

عنوان کتاب در سنت عبری یا سنت یهودی «وله شموت» است که به معنی «و اینها نام‌ها هستند» است. سنت یا رسم در سنت یهودی برای نام‌های پنج کتاب از اسفار پنج‌گانه این است که عنوان را از کلمات اول آیه اول کتاب می‌گیرند. اگر به کتاب خروج در کتاب مقدس انگلیسی خود نگاه کنید، آیه اول می‌گوید: «اینها نام‌های پسران اسرائیل هستند». بنابراین به «وله شموت» می‌رسیم، «اینها نام‌ها هستند». آنها به سادگی آن چند کلمه اول را می‌گیرند و از آن برای عنوان استفاده می‌کنند.

حالا فکر می‌کنم خیلی بهتر است که عنوان «خروج» را داشته باشیم تا «اینها نام‌ها هستند». خروج حداقل چیزی در مورد محتوای کتاب به شما می‌گوید. اینها نام‌ها هستند «تقریباً هیچ چیزی به شما نمی‌گوید، فقط نام‌های پسران اسرائیل است که به مصر رفتند».

با این حال، اگرچه «خروج» عنوان بهتری نسبت به «اینها نام‌ها هستند» است، اما همچنان می‌تواند گمراه‌کننده باشد زیرا در واقع فقط درباره آنچه در فصل‌های ۱ تا ۱۵ اتفاق می‌افتد به شما می‌گوید. شما در

فصل‌های اولیه درباره ظلم و ستم به بنی‌اسرائیل می‌خوانید، سپس درباره تولد موسی می‌خوانید، و سپس موسی مجبور به فرار به بیابان می‌شود. سپس او برمی‌گردد و از فرعون می‌خواهد که بنی‌اسرائیل را رها کند، و شما تمام این مذاکرات را با فرعون انجام می‌دهید که منجر به ده بلا می‌شود. مصریان به بنی‌اسرائیل گفتند که بروند. سپس آنها آنجا را ترک می‌کنند و در دریای سرخ به دام می‌افتند - این در فصل‌های ۱۴ تا ۱۵ است که آن پیروزی سپس آنها آنجا را ترک می‌گیرد. این فصل اول است.

وقتی از فصل ۱۵ فراتر می‌روید، درباره دو موضوع بسیار مهم دیگر می‌آموزید. یکی برقراری عهد بین خداوند و قوم اسرائیل در کوه سینا و تمام چیزهایی که به آن مربوط می‌شود. وحی الهی که به موسی و قوم اسرائیل داده شده است، مربوط به برقراری آن عهد و تأیید و پذیرش آن قوانین توسط قوم است. بنابراین، این را دریافت می‌کنید، و سپس توضیحات نسبتاً گسترده‌ای از ساخت خیمه خواهید دید. دستورالعمل نحوه ساخت آن را دریافت می‌کنید. بعداً توضیحی از ساخت واقعی آن دریافت می‌کنید و در پایان کتاب در اوج، خدا نازل می‌شود و در میان این قوم در خیمه ساکن می‌شود. بنابراین «خروج» به عنوان عنوان، تنها یک نکته مهم را که در کتاب در حال وقوع است، بیان می‌کند.

اجازه دهید از این بحث در مورد نام، به بحث مختصری در مورد محتوا بپردازم که به محتوای خروج ۲. آن مربوط می‌شود. در مورد محتوا، آنچه شما دارید، شرحی از تأسیس اسرائیل به عنوان قوم عهد یهوه است. این موضوع اصلی کتاب است - تثبیت جایگاه این بنی‌اسرائیل به عنوان نوادگان یعقوب از طریق ۱۲ پسر او که به مصر رفته بودند و در آنجا به مردمی بسیار پرشمار تبدیل شدند. آنها هنگام ترک مصر به کوه سینا می‌روند تا به عنوان قوم عهد یهوه تثبیت شوند.

بنابراین، شما با وضعیتی متفاوت از آنچه در پیدایش دارید، مواجه هستید. در پیدایش، داستان‌ها و روایاتی درباره یک خانواده، در ابتدا ابراهیم، اسحاق و یعقوب و پسرانش، به ویژه یوسف، دارید. اما شما با یک خانواده سر و کار دارید. در پایان پیدایش و آغاز کتاب خروج می‌خوانید که گروهی از مردم در آنجا تشکیل می‌شوند که تعدادشان زیاد بود. این افراد، نوادگان ابراهیم هستند که خداوند به آنها وعده داده بود که او را به یک ملت بزرگ تبدیل کند. این به عهدی که در پیدایش ۱۲، آیه ۲ به ابراهیم داده شده بود، برمی‌گردد: «من شما را به یک ملت بزرگ تبدیل خواهم کرد.» مهمترین رویداد در کتاب خروج، تأسیس رسمی این ملت به عنوان قوم عهد خدا است.

حالا به چیزی که با عنوان «خروج» در موردش صحبت کردیم برمی‌گردیم. خروج وسیله‌ای برای رسیدن به آن هدف است. به عبارت دیگر، این خروج است که اسرائیل را قادر می‌سازد تا به سینا برود تا با خدا ملاقات کند و به عنوان قوم عهد او تثبیت شود. بنابراین از این نظر، نقطه کانونی، چیزی است که در سینا اتفاق می‌افتد. خروج وسیله‌ای برای رسیدن به آن هدف است. خیمه، مکان الهی تعیین شده‌ای است که خدا در میان قوم

خود ساکن می‌شود. او به عنوان حاکم الهی آنها، قرار بود پادشاه آنها باشد. آنها قرار بود از شریعت او پیروی کنند. خیمه در قدس الاقداس، صندوق عهد با کرویبيان در دو انتهای آن داشت. در مزامیر می‌خوانید که یهوه بر فراز کرویبيان بر تخت نشسته است. صندوق، تخت یهوه است و درون صندوق، شریعت قرار دارد، همان چیزی که قرار بود بر اسرائیل حکومت کند. بنابراین وقتی خیمه ساخته می‌شود، در واقع پادشاه است که می‌آید تا در میان قوم خود ساکن شود. می‌توان گفت که این اوج تمام اتفاقات کتاب است.

بنابراین اگر به موضوع خروج برگردیم، فکر می‌کنم می‌توانیم بگوییم که سه چیز اصلی در حال وقوع است. اول، رهایی است؛ این همان خروج است. دوم، عهد است؛ این همان چیزی است که در سینا اتفاق می‌افتد. سوم، خیمه است. بنابراین اینها چیزهای مهمی را که در کتاب در حال وقوع است نشان می‌دهند: رهایی، عهد و خیمه. خیمه چیزی است که ممکن است همیشه به آن توجه نکنید. اما همانطور که قبلاً اشاره کردم، در فصل‌های ۳۱ تا ۳۱ دستورالعمل‌هایی برای ساخت خیمه داشتید. این هفت فصل است. این نوعی فهرست جزئیات خسته‌کننده ۲۵ است که تمام مواد و روش‌های ساخت چیزها را فهرست می‌کند. اما بعداً در فصل‌های ۳۵ تا ۳۹ شرح مفصلی از ساخت واقعی خیمه دارید، یعنی پنج فصل دیگر. بنابراین شما ۱۲ فصل از کتاب را دارید، یعنی حدود ۱/۳ کتاب، که به خیمه می‌پردازد. و در فصل ۴۰، وقتی خدا می‌آید تا در خیمه در میان قوم خود ساکن شود، این اوج کل کتاب است. حالا من اشاره کردم که دستورالعمل‌های خیمه در فصل‌های ۲۵ تا ۳۱ و ساخت واقعی آن در فصل‌های ۳۵ تا ۳۹ است. در این بین، فصل‌های ۳۲ تا ۳۴ قرار دارد. آیا کسی می‌داند در فصل‌های ۳۲ تا ۳۴ بین دستورالعمل نحوه ساخت خیمه و ساختمان واقعی چه چیزی وجود دارد؟ شما آن حادثه گوساله طلایی و ارتداد اسرائیل، رویگردانی از خداوند را دارید. یکی از نویسندگان می‌گوید که در فصل‌های ۳۲ تا ۳۴ آنچه شما توصیف کرده‌اید، پروژه ضد خیمه اسرائیل است - پرستش گوساله طلایی. این روشی بود که اسرائیل نباید خداوند را می‌پرستید. بنابراین به طور کلی، فکر می‌کنم می‌توان گفت که کتاب، استقرار تثوکرسی را توصیف می‌کند. اکنون تثوکرسی، خدا به عنوان حاکم است. این ملتی است که در آن خدا به عنوان حاکم عالی شناخته می‌شود - این یک تثوکرسی است. قرار بود ملت توسط خود خداوند از طریق واسطه‌های عهدش، موسی و کاهنان اعظم که نمایندگان اصلی بودند، مطابق با مفاد عهدی که در سینا داده شد، اداره شود.

اکنون، این کتاب خروج به طور کلی در جریان کتاب مقدس قرار می‌گیرد. فکر جایگاه خروج در تورات ۳. می‌کنم وقتی به تورات نگاه می‌کنید، متوجه می‌شوید که پیدایش زمینه‌ای برای دوران موسی فراهم می‌کند. به عبارت دیگر، پیدایش تاریخ را تا زمان موسی توضیح می‌دهد. البته، فصل‌های اولیه توضیح می‌دهند که چگونه گناه به جهان آمد و اثرات آن چه بود. بنابراین پیدایش زمینه‌ای برای دوران موسی ارائه می‌دهد و دوران موسی به نوبه خود پایه و اساس هر چیز دیگری است که در عهد عتیق وجود دارد. اکنون به ویژه سینا پایه‌ای است که وقتی به پیامبران می‌رسید، همه چیز دیگر بر روی آن بنا شده است. به عنوان مثال، گاهی اوقات گفته می‌شود که

پیامبران نوآوران مذهبی و مروج ایده‌های کاملاً جدید بودند. برعکس، پیامبران چیزی بیش از اصلاح‌طلبان مذهبی بودند. آنها مردم را به بازگشت به پایه‌های عهد خود فرا می‌خواندند. آنها مردم را به بازگشت به خدا فرا می‌خواندند. بله، برخی از بخش‌های پیشگویانه به آنچه خدا قرار است انجام دهد اشاره دارند، اما همه اینها بر پایه آنچه در سینا بنا نهاده شد، بنا شده است.

فقط برای اینکه کمی بیشتر در مورد این موضوع توضیح روش چهارگانه گرین برای نگاه به عهد عتیق ۴. دهم، در دهه ۱۸۰۰ یک محقق عهد عتیق در مدرسه علمیه پرینستون به نام ویلیام هنری گرین وجود داشت. او تقریباً همزمان با جولوس ولهاوزن زندگی و می‌نوشت و با او تعامل داشت و علیه او استدلال می‌کرد. او در مورد ساختار عهد عتیق صحبت کرد. او روش بسیار خوبی برای نگاه به اسفار پنجگانه یا شریعت موسی ارائه داد و گفت که این اسفار برای کل عهد عتیق اساسی است. مطمئناً این درست است. به همین دلیل است که ما زمان بیشتری را در کتاب خروج نسبت به سایر کتاب‌های تاریخی صرف خواهیم کرد. شریعت موسی اساس اساسی است. گرین می‌گوید کتاب‌های تاریخی، کاربرد مشیت الهی آنچه در اسفار پنجگانه می‌یابید، هستند. او از کتاب‌های شاعرانه‌ای به عنوان تصرف ذهنی مبانی اسفار پنجگانه یاد می‌کند. کتاب‌های نبوی که او از آنها به عنوان اجرای عینی شریعت موسی یاد می‌کند. بنابراین کتاب‌های تاریخی، کاربردهای مشیت الهی، کتاب‌های شاعرانه، تصرفات ذهنی و کتاب‌های نبوی، اجرای عینی هستند که همگی به عهد مسیح اشاره دارند. بنابراین شما نوعی ساختار برای انواع مختلف مطالبی که در عهد عتیق پیدا می‌کنید می‌بینید که اساس آنها اسفار پنجگانه یا تورات است.

قبل از رفتن به بخش ب، به صفحه دوم در فهرست منابع خود بروید. مقالاتی در مورد انسجام کتاب خروج ۵. من فقط می‌خواهم توجه شما را به دو مقاله جلب کنم. در بخش ۱ الف، جایی که ما هستیم، دو مقاله از آری لدر وجود دارد. یکی با عنوان «خواندن کتاب خروج برای یادگیری و یادگیری خواندن کتاب خروج» و دیگری با عنوان «انسجام کتاب خروج: وحدت روایت و معنا» است که در سال‌های ۱۹۹۹ و ۲۰۰۱ در مجله الهیات کالوین منتشر شده است. فکر می‌کنم ممکن است این منابع برای شما جالب و مفید باشند. می‌خواهم پاراگرافی از مقاله انسجام خروج»، آن مقاله دوم، را بخوانم. لدر می‌گوید: «آدم و حوا به دلیل امتناع از آموزش الهی از حضور خدا» در باغ عدن رانده شدند. در خروج، هنگامی که ابر جلال، خیمه تازه ساخته شده را پر می‌کند، خدا در میان فرزندان آدم و حوا از طریق ابراهیم و سارا ساکن می‌شود. «اکنون آدم و حوا در حضور خدا بودند و از حضور او رانده شدند. حال آنچه او می‌گوید این است که خدا دوباره می‌آید تا در میان فرزندان آدم و حوا از طریق ابراهیم ساکن شود». فرزندان آدم در حضور خدا هستند نه به این دلیل که راه بازگشت خود را پیدا کردند، بلکه به این دلیل که خدا آنها را به سوی خود آورده است. «این از خروج ۴: ۱۹ است که در آن آمده است که وقتی آنها به سینا آمدند، «من شما را به سوی خود آورده‌ام» علاوه بر این، آنها در حضور مستقیم او نیستند. گناهکاری اسرائیل

نیاز به فاصله‌ای دارد که فقط با یک کاهن منصوب ویژه می‌توان بر آن غلبه کرد.» و اکنون می‌بینید که در آن فاصله معنایی وجود دارد. فقط کاهن اعظم می‌توانست سالی یک بار به آن حضور مستقیم وارد شود. اما با این وجود، تا حدودی وضعیت قبل از سقوط، زمانی که این ارتباط بین خدا و قومش وجود داشت، احیا شده است. خدا در میان قوم خود حضور داشت و اکنون دوباره در میان قوم خود ساکن می‌شود.

بیا بید به ب. برویم، که «زمینه تاریخی» کتاب است. و من ابتدا ب. زمینه تاریخی خروج: تاریخ خروج مسئله تاریخ خروج «را دارم. به یاد داشته باشید که در یکی از آن جزوه‌های مقدماتی گفتیم که خروج در حدود «قبل از میلاد رخ داده است. مدت‌هاست که بحثی وجود دارد و هنوز هم ادامه دارد و احتمالاً ۱۲۰۰-۱۴۰۰ سال‌های زیادی ادامه خواهد داشت که چگونه دقیقاً خروج را در بافت تاریخی مصر ببینیم. کتاب مقدس اطلاعات زیادی در مورد تاریخ مصر باستان به ما نمی‌دهد و نام فراعنه ظلم یا خروج را نیز به ما نمی‌دهد. در آن فصل‌های اولیه خروج از دو فرعون صحبت می‌شود. یکی فرعون دوران ستم است که مرد، و سپس موسی، پس از رفتن به بیابان، پس از مرگ آن فرعون به مصر بازمی‌گردد. بنابراین فرعون دوران خروج و یک فرعون قبلی دوران ستم وجود دارد. مسئله‌ی موقعیت تاریخی سعی دارد مشخص کند که آن دو فرعون چه کسانی بودند. من فکر می‌کنم این واقعیت که ما نام‌ها را نمی‌دانیم، و به نظر نمی‌رسد کتاب مقدس به طور خاص نگران دادن آنها به ما باشد، به نوعی به ماهیت خاص تاریخ‌نگاری کتاب مقدس اشاره دارد که علایق و دغدغه‌های خاص خود را دارد و آن تاریخ رستگاری است نه تاریخ مصر.

از سوی دیگر، جالب است که دادن عنوان «فرعون» به حاکم در این دوره از تاریخ هیچ نامی از فرعون ۱. مصر، با نحوه‌ی صحبت خود مصریان از حاکمانشان مطابقت دارد. در ادبیات مصر، عنوان «فرعون» بدون اضافه کردن نام شخصی قبل از قرن دهم قبل از میلاد استفاده می‌شد. به عبارت دیگر، تا اواخر دهه ۹۰۰ میلادی، نام فرعون با این عنوان مرتبط نبود. نکته جالب اینجاست که این دقیقاً با آنچه در کتاب مقدس می‌بینید، مطابقت دارد. به عبارت دیگر، قبل از قرن دهم، اشاره به رهبر مصری به سادگی با عنوان «فرعون» مشخص می‌شد. وقتی به قرن دهم و پس از آن می‌رسید، این فرعون شیشق یا فرعون نچو یا فرعون هوفر است. شیشق بود که در سال ۹۲۵ قبل از میلاد ذکر شده است و در زمان رحبعام به فلسطین حمله کرد، در اول پادشاهان ۱۱:۴۰ می‌بینید. از فرعون نچو در دوم تواریخ ۳۵:۲۰ صحبت شده است، بنابراین این زمان یوشیا در دهه ۶۰۰ میلادی است. فرعون هوفر در کتاب ارمیا ۴۴ درست قبل از ۵۸۶ قبل از میلاد آمده است. به عبارت دیگر، این واقعیت که کتاب مقدس نام این فراعنه را ذکر نمی‌کند، چیز غیر معمولی نیست؛ در واقع، کاملاً با کاربرد مصری آن زمان سازگار است.

در میان محققان انجیلی که عموماً تاریخی بودن داستان خروج در دو دیدگاه در مورد تاریخ خروج ۲. کتاب مقدس را می‌پذیرند، مدت‌هاست که دو دیدگاه در مورد تاریخ خروج وجود داشته است. برخی از محققان از آنچه که به عنوان تاریخ اولیه خروج نامیده می‌شود، یعنی تاریخ سلسله هجدهم در حدود دهه ۱۴۰۰، دفاع می‌کنند. عموماً کسانی که از این نظر دفاع می‌کنند می‌گویند که توتمس سوم فرعون ستم بود و فرعون خروج خود آمنهوتپ دوم بود. من قانون سلسله هجدهم را در پاور پوینت آورده‌ام. می‌بینید که آنها چگونه با تاریخ‌های مربوط به آنها برخورد می‌کنند. اگر تاریخ سلسله نوزدهم را در نظر بگیرید، که برخی دیگر آن را «تاریخ متأخر» خروج یهودیان می‌دانند، سنی اول را به عنوان فرعون ستم و رامسس دوم را به عنوان فرعون خروج در دهه ۱۲۰۰ خواهید داشت.

اگر به کتابشناسی خود در زیر اب نگاه کنید، تقریباً دو صفحه مرجع در آنجا مشاهده الف بررسی ادبیات خواهید کرد. اجازه دهید فقط چند مورد از این نویسندگان را مرور کنیم و ایده‌ای از برخی از طرفداران تاریخ اولیه و برخی از طرفداران تاریخ متأخر به شما بدهم. گلیسون آرچر، اولین مدخل آنجا، طرفدار تاریخ اولیه است. جان بیسون، «تاریخ‌گذاری مجدد خروج و فتح» و چندین مقاله دیگر، همه اینها تاریخ اولیه هستند. کی. ای. کیچن طرفدار تاریخ متأخر است. به صفحه ۳ بروید، یوجین مریل، شما نوشته‌های او را خواهید خواند، او طرفدار تاریخ اولیه است. بروس والتکه و برایانت وود هر دو تاریخ اولیه هستند. بنابراین فکر می‌کنم اینها برخی از افراد کلیدی هستند که استدلال‌هایی را برای یکی یا دیگری مطرح می‌کنند.

کاری که می‌خواهم از این نقطه انجام دهم، بررسی استدلال‌های اصلی مطرح‌شده در هر دو طرف این سوال است. به عبارت دیگر، چه استدلال‌هایی برای تاریخ متأخر در سلسله نوزدهم در دهه ۱۲۰۰ و چه استدلال‌هایی برای تاریخ متأخر، یعنی جایگاه سلسله هجدهم در دهه ۱۴۰۰ وجود دارد. می‌خواهم این استدلال‌ها را به طور خلاصه ارائه دهم. می‌توانیم ساعت‌ها روی این سوال وقت بگذاریم. می‌تواند بسیار پیچیده شود، اما فکر می‌کنم تا حدودی متوجه خواهید شد که چرا در مورد قرار دادن خروج در تاریخ مصر اختلاف نظر وجود دارد.

### استدلال‌های مربوط به تاریخ متأخر ۳.

#### الف خروج ۱:۱۱: بیتوم و رامسس

بنابراین کاری که می‌خواهم ابتدا انجام دهم این است که برخی از استدلال‌های اصلی برای تاریخ متأخر را به شما ارائه دهم. ما با این سلسله نوزدهم شروع خواهیم کرد. اولین استدلال در واقع متن کلیدی کتاب مقدس است که از تاریخ متأخر پشتیبانی می‌کند. اولین استدلال برای تاریخ متأخر همان چیزی است که در خروج ۱:۱۱ گفته شده است. شما در خروج ۱:۱۱ می‌خوانید: «مصریان بر بنی‌اسرائیل برده‌هایی گماشتند تا آنها را با کار اجباری سرکوب کنند و بیتوم و رمسیس را به عنوان شهرهای انبار برای فرعون ساختند.» بنابراین بنی‌اسرائیل در ظلم

خود مجبور به ساختن این دو شهر برای فرعون شدند که یکی از آنها رعمسیس نام دارد. حالا می‌بینید که رعمسیس یک قرن نوزدهم بود. حاکم سلسله. بحث‌های زیادی در مورد شناسایی مکان با توجه به آن دو نام مکان، پیتوم و رعمسس، وجود داشته است. اگر به آن نوشته روی اسلاید نگاه کنید، درست در وسط، وادی تومیلات و سپس درست زیر آن تل الرتابه یا تل المسخوطه را می‌بینید. پیتوم معمولاً به عنوان یکی از این دو مکان در نظر گرفته می‌شود. برای مدت طولانی، مکان دیگر رعمسس با مکان مرکزی به نام تانیس در بالای نقشه مرتبط بود، اما اخیراً کاوش‌ها و تحقیقات باعث شده است که اکثر محققان به این نتیجه برسند که یا قنطر یا تل الضبعة، و در پرانتز زیر، آواریس، یکی از آن دو مکان است. ما آن دو را درست در کنار یکدیگر می‌بینیم. اکنون کاوش‌ها به ما می‌گویند که در هر دو مکان، توسط ستی اول که نوزدهمین سلسله بود، و رعمسس دوم، ساخت و ساز انجام شده است. هر دو در آنجا ساخت و ساز کردند. اکنون آنچه اغلب در رابطه با این تاریخ اخیر گفته شده است این است که از زمان هیکسوس، هیچ فرعونی در منطقه دلتا پایتختی نساخته است.

هجدهم برگردیم، دوره‌ای از تاریخ مصر وجود داشت که در آن حاکمان خارجی ب. هیکسوس‌ها به سلسله بر این سرزمین تسلط داشتند و به آنها هیکسوس می‌گفتند. سلسله هجدهم بود که هیکسوس‌ها را بیرون راند. هیکسوس‌ها معمولاً در سال‌های ۱۷۵۰ تا ۱۵۷۰ میلادی قرار می‌گیرند. می‌بینید که اهمسه اول در سال ۱۵۷۰ پیش از میلاد، هیکسوس‌ها را از مصر بیرون راند و سلسله هجدهم را در مصر تأسیس کرد. چیزی که اغلب گفته می‌شود این است که از زمان هیکسوس‌ها هیچ پایتخت دلتایی وجود نداشته است. هیکسوس‌ها در پایتخت بودند، اما پایتخت در جنوب بسیار دورتر قرار دارد و تنها با سلسله نوزدهم است که دوباره ساخت و ساز توسط فراغه در منطقه دلتا مشاهده می‌شود. هیچ مدرکی از ساخت و ساز سلسله هجدهم در منطقه دلتا در بخش شمالی مصر

وجود نداشت. ۴. خروج ۱:۱۱ در پرتو باستان‌شناسی معاصر: رعمسس به عنوان تفسیری متاخر. من گفتم که تا هجدهم در همین اواخر اغلب این موضوع مورد بحث بود؛ باستان‌شناسان شواهدی برای کارهای ساختمانی سلسله دلتا ارائه نکرده بودند. با این حال، این ادعا اکنون نامعتبر است زیرا در دهه ۱۹۹۰، تقریباً همین اواخر، تیمی از باستان‌شناسان اتریشی، ساخت و سازهای سلسله هجدهم را در محل آواریس پیدا کردند، که یکی از آن دو مکانی است که برخی معتقدند محل رعمسس در خروج ۱:۱۱ بوده است، پیتوم و رعمسس. این کار در آواریس از زمان اهمسه اول، فرعونی که در آن زمان فراغه هیکسوس‌ها را بیرون راندند، تا زمان توتمس سوم ادامه داشت. کتابی در سال ۱۹۹۷ نوشته شده است که در صفحه ۲ کتابشناسی شما توسط جی. کی. هافمایر با عنوان «*اسرائیل در مصر: شواهدی برای اصالت سنت خروج*» فهرست شده است. اگر به مطالب باستان‌شناسی، تاریخی و زمینه مصری سنت خروج علاقه‌مند هستید، این کتاب بسیار خوبی است. این کتاب در سال ۱۹۹۷ توسط انتشارات آکسفورد منتشر شد. در آن کتاب، در صفحه ۱۲۳، هافمایر به کشف ساختمان‌های سلسله هجدهم

در آواریس می‌پردازد: «او می‌گوید»: این پیشرفت غیرمنتظره به این معنی است که برای اولین بار شواهدی از ساختمان‌سازی قابل توجه با آجر در منطقه آواریس-پی-رامسس وجود دارد. «می‌بینید که این منطقه‌ای است که آن دو نقطه روی آن نقشه قرار دارند، «بلافاصله پس از عزیمت هیکسوس‌ها و ادامه حضور در منطقه تا واسط سلسله هجدهم. آیا ساخت و ساز مرتبط با قلعه اهمسه و تأسیسات مرتبط با آن می‌تواند آغاز ظلم و ستم بنی‌اسرائیل و ساخت آجر باشد که در خروج ۱ به آن اشاره شده است؟» «او این را به عنوان یک سوال مطرح می‌کند». اگر چنین است، پس نام رامسس باید به عنوان یک تفسیر بعدی از دوره رامسس درک شود «به عبارت دیگر، یک نام مکانی باستانی وجود داشته است، این نام بعداً تغییر کرده است، اما بنی‌اسرائیل پیش از آن در آنجا کار می‌کردند. اما بعداً به این سوال باز خواهیم گشت. تا آنجا که به طرفداران تاریخ متأخر، یعنی تاریخ‌های سلسله نوزدهم، مربوط می‌شود، متن کلیدی کتاب مقدس که به پشتیبانی از این تاریخ متأخر اشاره دارد، اشاره به پیتوم و رعمسس در خروج ۱:۱۱ است.

بگذارید نلسون گلوک و ترناس-اردن و وضعیت بی‌حسی ۱۴:۲۰-۱۷ قبل از قرن سیزدهم وجود نداشت ۵. یک استدلال دیگر برای تاریخ متأخر به شما ارائه دهم، سپس کمی استراحت می‌کنیم. استدلال دوم از بررسی‌های باستان‌شناسی انجام شده توسط مردی به نام نلسون گلوک در منطقه ماوراء اردن، یعنی منطقه‌ای در شرق رودخانه اردن، ناشی می‌شود. نلسون گلوک در مناطقی که در زمان عهد عتیق مناطق موآب و ادوم بودند، سفر کرد. او بررسی‌های باستان‌شناسی انجام داد و نتیجه‌گیری‌اش این بود که قبل از ۱۳۰۰ سال قبل از میلاد، یا حدود پنج قرن قبل از آن، هیچ «جمعیت ساکنی» در موآب و ادوم وجود نداشته است. وقتی به اعداد ۲۰ مراجعه می‌کنید، زمانی که اسرائیل مصر را ترک کرد و راه خود را به سوی سرزمین موعود در پیش گرفت، در اعداد ۱۴:۲۰ می‌خوانید که موسی از قادش، جایی که اردو زده بودند، فرستادگانی نزد پادشاه ادوم فرستاد و گفت: «این چیزی است که برادرت اسرائیل می‌گوید، تو از تمام سختی‌هایی که بر ما گذشته است، آگاهی. اجداد ما به مصر رفتند و ما سال‌های زیادی در آنجا زندگی کردیم. مصر با ما و پدران ما بد رفتاری کرد، اما وقتی به درگاه خداوند فریاد زدیم، او فرشته خود را فرستاد و ما را از مصر بیرون آورد. اکنون ما اینجا در قادش، در مرز قلمرو تو هستیم. اجازه دهید از کشور شما عبور کنیم. ما از هیچ مزرعه یا تاکستانی عبور نخواهیم کرد.» این به نظر جمعیتی ساکن با تاکستان‌ها و مزارع کشت شده می‌رسد. «یا از هر چاهی آب بنوشیم؛ ما در امتداد بزرگراه پادشاه سفر خواهیم کرد و به راست یا چپ نمی‌پیچیم تا زمانی که از کشور شما عبور کنیم.» «ادوم پاسخ داد:» شما نمی‌توانید عبور کنید، می‌توانید امتحان کنید و ما با شمشیر به شما حمله خواهیم کرد.» «بنی‌اسرائیل پاسخ دادند:» ما از جاده اصلی می‌رویم و اگر ما یا دام‌هایمان از آب شما بنوشیم، هزینه آن را پرداخت خواهیم کرد، ما فقط می‌خواهیم پیاده عبور کنیم.» سپس آنها پاسخ را دریافت کردند، شما نمی‌توانید عبور کنید. سپس ادوم با ارتشی بزرگ و قدرتمند به مقابله با آنها آمد.» از آنجایی که ادوم از اجازه دادن به آنها برای عبور از سرزمینشان خودداری کرد، اسرائیل از آنها

روی برگرداند.» اکنون نلسون گلوک از راه می‌رسد و می‌گوید در مناطق موآب و ادوم پنج قرن قبل از ۱۳۰۰ قبل از میلاد هیچ تمدن ساکنی وجود نداشت. بنابراین تاریخ اولیه برای خروج در سال ۱۴۰۰، سلسله هجدهم، طبق گفته نلسون گلوک و بررسی باستان‌شناسی او درست نیست.

حالا به آن مجموعه استنادی که به شما دادم نگاه کنید. صفحه ۴، پاراگراف ج در وسط صفحه. این پاراگراف از کتاب «نور از گذشته باستان» نوشته جک فینگان است. فینگان با گفته گلوک موافق ... شب از ... اوایل برنز سن تمدن از ماوراء اردن ناپدید شد درباره ۱۹۰۰ بی سی و از سپس تا بر اما: است ... آغاز از ... تاریخ از دائمی کم تحرک شغل در که زمین. نه تا آهن سن آنجا است الف شکاف در ... ادومی‌ها، آیا الف جدید کشاورزی تمدن ظاهر شدن تعلق داشتن به "که می شود دهه 1200" سیزدهمین قرن ... وضعیت مفروض در اعداد ۱۴: ۲۰-۱۷ انجام داد نه وجود داشته باشد. موآبیان، آمونیت‌ها و اموریان بنابراین ... سیزدهمین قرن بی سی اما انجام داد غالب شدن از که زمان روی، دقیقاً به عنوان منعکس شده در قبل از ... قبلی ۶۰۰ سال‌ها ... بنی اسرائیل داشت بیا از طریق جنوبی ماوراء اردن در هر زمان درون کتاب مقدس. اگر ... موآبی پادشاهی‌ها در وجود و فقط پراکنده عشایر ... ادومی و نه آنها خواهد بود داشته باشند پیدا شد هیچ کدام ... سیزدهمین قرن به عنوان ما داشته خواهد بود داشته باشند مورد مناقشه آنها گذرگاه اما آمدن یه وقتایی. در ... خب سازمان ... آغاز توسط باشند دلیل برای باور کردن آنها انجام داد، آنها پیدا شد آنها راه مسدود شده در ... یافته و خب تقویت شده پادشاهی از «ادوم»

این باستان‌شناسی جدیدتر، جمعیت ساکن در ماوراء اردن را در دهه ۱۳۰۰ میلادی نشان می‌دهد. ۶. استدلال دوم است، هیچ جمعیت ساکنی در موآب و ادوم به مدت پنج قرن قبل از دهه ۱۳۰۰ میلادی وجود نداشته است، که به نظر می‌رسد با تاریخ بعدی برای خروج مطابقت دارد. با این حال، من وقت خود را برای پرداختن به این موضوع تلف نمی‌کنم. اگر به کتابشناسی خود، صفحه ۳، نگاهی بیندازید، مقاله‌ای از جین متینگلی با عنوان خروج-فتح و باستان‌شناسی ماوراء اردن: نگاهی نو به یک مشکل قدیمی «وجود دارد. متینگلی استدلال می‌کند» که شواهدی از جمعیت‌های ساکن قبل از دهه ۱۳۰۰ وجود دارد. بنابراین نباید خیلی سریع به این نتیجه برسیم که وضعیت همانطور است که کتاب نلسون گلوک توصیف می‌کند. شواهد باستان‌شناسی مبهم است. اما این دومین استدلال برای تاریخ متأخر خروج است. فکر می‌کنم باید کمی مکث کنیم. در اینجا توقف خواهیم کرد و وقتی از این وقفه برگشتیم، ادامه خواهیم داد.

رونویسی توسط پیتر فیلد، تصحیح توسط تد هیلدبرانت  
ویرایش خام توسط تد هیلدبرانت  
ویرایش نهایی توسط کیتی الز  
روایت مجدد توسط تد هیلدبرانت